DOI: 10.22034/2.5.5

سرمقاله

نقد برنامه‌ها (طرح‌ها)ی بازآفرینی شهری

درک و سعی در حل مشکلات فضاهای شهری، از بعد از پایان جنگ جهانی دوم همواره در مرکز توجه دولت‌ها و مدیریت‌های شهرها بوده‌اند. تاریخ این تلاش‌ها نشان می‌دهند که در کشورهای پیشرفته با وجود شرایط بسیار ویژه، نسبت به اکثریت کشورهای در حال توسعه، مسئولان امر ضمن بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین روش‌های موجود در جهان برای سامان‌دهی محیط‌های زیست شهری، همواره از حوزهٔ تحقیق و پژوهش مستمر و ارزیابی اقدامات قبلی و استقبال از روش‌های جدید و مبتی‌بر کندوکاو در لایه‌های مختلف آرمان‌های بهسازی محیط‌های شهری پشتیبانی می‌کند. همهٔ این مجموعه ناشی از وجود شفافیت و تعهد به پاسخ‌گویی مدیران به کسانی است که با رأی آن‌ها و برای بهبود و ارتقاء محیط زیست شهری آن به میدان آمده‌اند.

اگر مداخله در محیط و از جمله تدارک برنامه‌ها و طرح‌هایی برای به اصطلاح «بازآفرینی محیط‌های شهری» در فضایی غیر از آنچه توصیف شد صورت پذیرد، نمی‌توان به محصول نهایی به‌عنوان امری مثبت و سازنده دل خوش کرد. مدیریت‌شهری در ایران در فضایی کدر، غیرشفاف و اغلب تاریک صورت می‌پذیرد. بسیاری از اقدامات و مداخلات شهرداری‌ها به‌خصوص همین طرح‌های موسوم به بازآفرینی بافت‌های فرسودهٔ شهری در کشور هرگز نتوانسته‌اند حتی به اهداف ادعایی نزدیک شوند. تجربه نشان می‌دهند که حرف‌ها و نوشته‌هایی که در این خصوص گفته و نوشته می‌شوند اصلاً اهمیتی ندارند. مهم حرف‌ها و نوشته‌هایی هستند که هرگز بیان نمی‌شوند و به رشتهٔ تحریر در نمی‌آیند. مثلاً هرگز گفته نمی‌شود که اهداف واقعی در حوزهٔ بازآفرینی شهری کدام‌اند؟ یا هرگز مشخص نمی‌شود چه منافعی از قبل این برنامه‌ها و طرح‌ها تأمین می‌شوند؟ در برخوردها و سخنرانی‌ها بیان نمی‌شود که چرا و چگونه انسان و محیط در طرح‌های بازآفرینی شهری از هم کاملاً جدا در نظر گرفته می‌شوند. مشخص نیست این طرح‌ها برای حل کدام مسائل محیط‌های محروم و نا برخوردار در دستور کار قرار گرفته‌اند.

به نظر می‌رسد تمرکز بر کمبودهای ظاهری و فیزیکی محلات و مناطق محروم شهری بیشتر در راستای انباشت چرخه‌ای قدرت و سرمایه معنا پیدا می‌کند. به همین علت است که تعارض منافع افراد و خانوارهای محروم با مجموعهٔ مدیریت و اجرای طرح‌های بازآفرینی شهری اغلب کاملاً مشهود است. زیرا اگر هدف ارتقاء سطح زندگی جمعیت محروم شهری منظور نظر باشد، باید تبعات این حرکت انسانی و توسعه‌محور در همهٔ شهرهای ایران به‌خوبی قابل مشاهده، اندازه‌گیری و ارزیابی باشد.

شهر مانند یک کوه یخ بسیار عظیم است. معمولاً آن بخشی از شهر که دیده می‌شود و مورد قضاوت قرار می‌گیرد، تنها بخش کوچکی از این کوه یخ است. روندها و فرایندها در ایران از حدود ۱۰۰ سال پیش تاکنون به‌گونه‌ای رقم خورده‌اند که مردم عادی فقط بخش کوچکی از شهر را می‌بینند و درک می‌کند و بخش مهمی از نخبگان و متخصصان و مدیران شهری ترجیح می‌دهند برای تأمین منافع خاص خود آن بخش ناپیدا از شهر را عمداً نادیده بگیرند. بدین ترتیب مشخص است که علت شکست و ناکامی طرح‌های بازآفرینی نواحی فرسودهٔ شهری در ایران به بخشی از ماجرا باز می‌گردد که اصولاً با چشم غیر مسلح قابل رؤیت نیست.

ناصر براتی
دانشیار، دانشکدهٔ معماری و شهرسازی، دانشگاه سوره، تهران، ایران
nasserbarati1955@yahoo.com

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

نحوهٔ ارجاع به این مقاله
براتی، ناصر. (۱۴۰۳). نقد برنامه‌ها (طرح‌ها)ی بازآفرینی شهری. *مکتب احیاء*، ۲(۵)، ۵.

DOI: 10.22034/2.5.5
URL: https://jors-sj.com/article-1-80-fa.html

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-10-06]
[DOI: 10.22034/2.5.5]